

# ضمائم

پروشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پرويشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

## ضمیمه ۶

نامه امپراطور روس به عباس میرزا نایب السلطنه

هو

ترجمه نامه اعلیحضرت امپراطور روس

از فضل نامتناهی خود حق سبحانه تعالی کرامت فرموده است  
 بما نیکولای اول سلطان غالب قاهر امپراطوری و سلطنت کل ممالک  
 روسیه و غیره و غیره و غیره راکه در بهترین زمان نامه ولیعهد دولت  
 ایران وارث تاج و تخت کیان مسند نشین سلطنت عظمی واصل و از  
 قضیه طهران و پریشانی آن مملکت استحضار حاصل نمودیم. نواب  
 خسرو میرزا شرحی ازین مراتب شفاهاً تقریر نمود. محض لیاقت  
 و شایستگی نواب مشارالیه و نسبت به ولیعهد سلطنت ایران لازمه  
 توقیر و احترام را در باره نواب خسرو میرزا بجا آوردیم بدرجه [ای]  
 که در ممالک روسیه شایستگی شان و شرف معزی الیه را کمالیک  
 مشتهر ساختیم، به قسمیکه در احترامات و تشریفات نواب معزی الیه  
 فرو گذاشت نگردید. فی الواقع شایستگی بجا و لیاقتی بسزا داشت  
 چنانکه از اخلاق حمیده و صفات پسندیده و آداب حسنه مادام التوقف  
 در نزد ما از حسن سلوک به گفتار دلپذیر و تقریرات عاقلانه دلنشین  
 خاطر ما را خورسند و وادار به رأفت و مهربانی و مودت فیما بین  
 نمود. بناء علیه، ورقه علیحده به دستخط خود نوشتیم از مبلغ معینه  
 که قرض دولت ایران است موافق مصالحه منعقد در ترکمان چای  
 که در عهدنامه بین الدولتین علیتین روس و ایران مندرج است،  
 مبلغ یک کرور تومان گذشت نمودیم و مابقی را مهلت دادیم که به  
 مدت پنج سال کار سازی نمایند. شما را لازم است که اولاً از صرافت  
 پریشانی قضایای گذشته بیرون رفته اساس قانون دولتی را در تحت

ترجمه نامه امپراتور روس

میرزا

از فضل شما چیزی ندانم و حتی سزاوار نیستم که این سرود را به شما بیاورم

عالم قاهر امپراتوری و سلطنت کل ممالک روسیه و غیره و غیره را

در تبریز نشان نامه و بیخود دولت ایران و ارشاد تاج و تخت کایان نشین

سلطنت عظام و شهر از قضیه طهران پریشان مملکت شما را صبر نمودم

و از خبر میرزا شری ازین مرتبه شما با تقریر نمود محض لایق نشین

نوابش را و نسبت به بیخود سلطنت ایران لازم بود و احترام را در باره

و از خبر میرزا ایجا آوردم بدینجه که در ممالک روسیه شایسته شان

ضمیمه ۶ - قسمت اول ترجمه نامه امپراتور روسیه

و شرف معنی الی را کاتبین مستشرقین علم جمید در حیرت افروز

نواب معنی الی فرودگشت گزیده و اوراق شایسته که در اختیار نواب

پانچم از اوراق جمید و صفحات پسندیده و آوازه نواب در اوراق

در زود از حسن سواد و لیدر و تقریر است عاقبت و نشین

مخاطب را در نهند و او در بر داشت بحسب نواب در دولت بنامین

نواب نایب و در قلم و بیست خود استیم در این سینه کوش

دولت ایران است عراقی مصداق منقده و مکان عالی که در عهد

بنامین معنی الی در سینه کوش که در قلم نواب نایب

مهمت د اوم که بدین سبب که ریزی نمایند شمار لازم است که اولاً

از صرفت پریشانی قضایای گذشته پروردگار را باس قانون مرتلی

در حکمت کیست نظام مزبور و آری که سلسله نظام امور دولتی شمار هم کسب

کرد و توضیح مشفقانه ما به استقلال و استقرار سلطنت ما خواهد افزود

در صورتیکه وضع قانون نظامیه ما در حکمت کیست اصول نیست

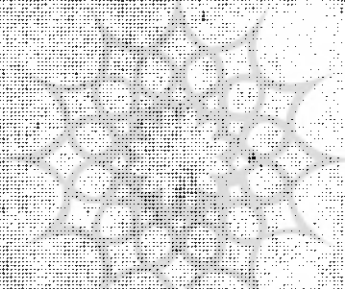
منظم کرد و برای نظم امور مملکت در ثنی مرکز همین حاجی و پادشاه

از طرف ما به چه وجهی خواهد شد <sup>از منظر</sup> بدون که تالیث در حکمت

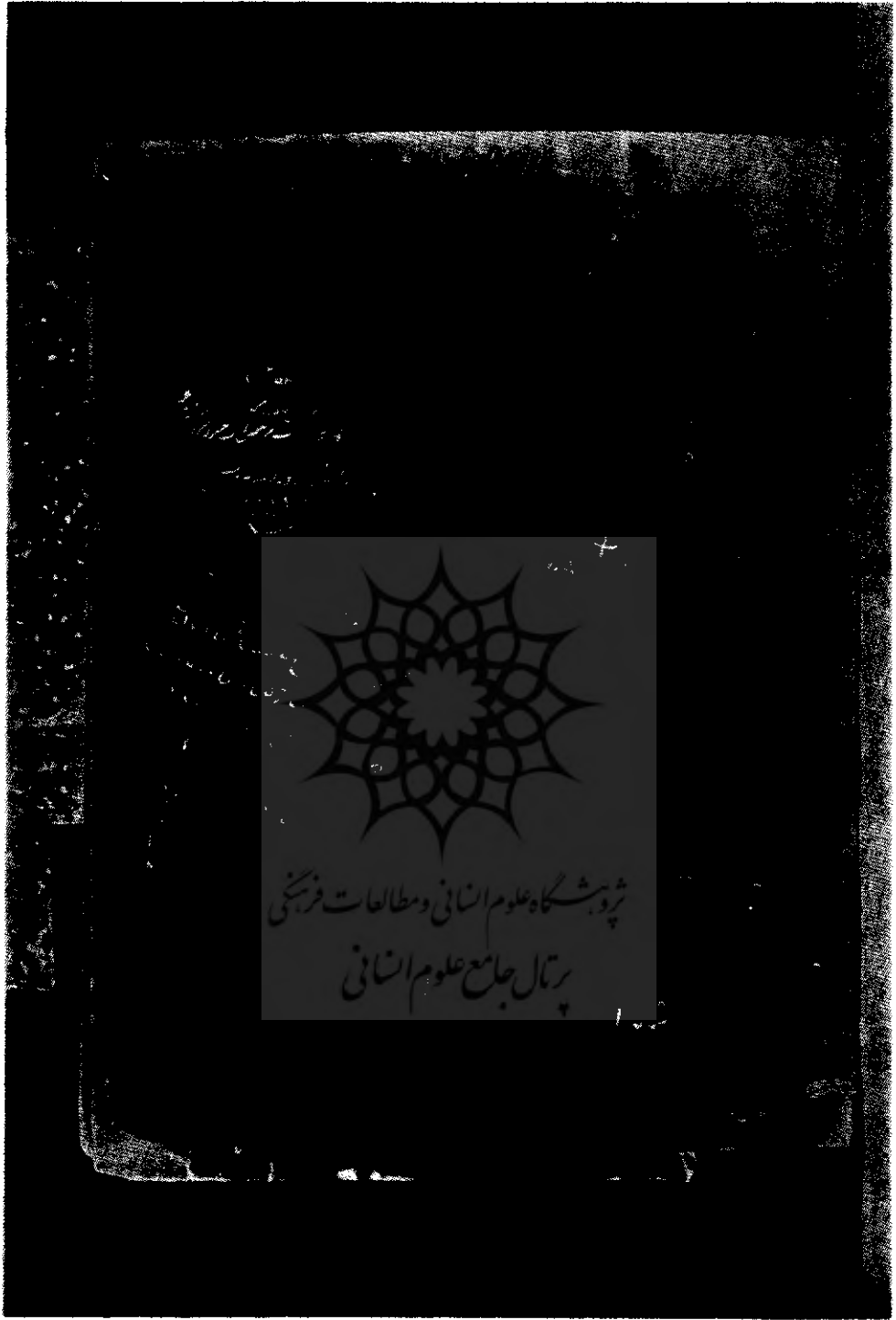
حمایت حفظ و احسان خود فرسجان صبر است نه بوده باشد از این

برفاندا، زرتیرایف، ترویتسکا و مالویچ، پوتشکین

مسکری

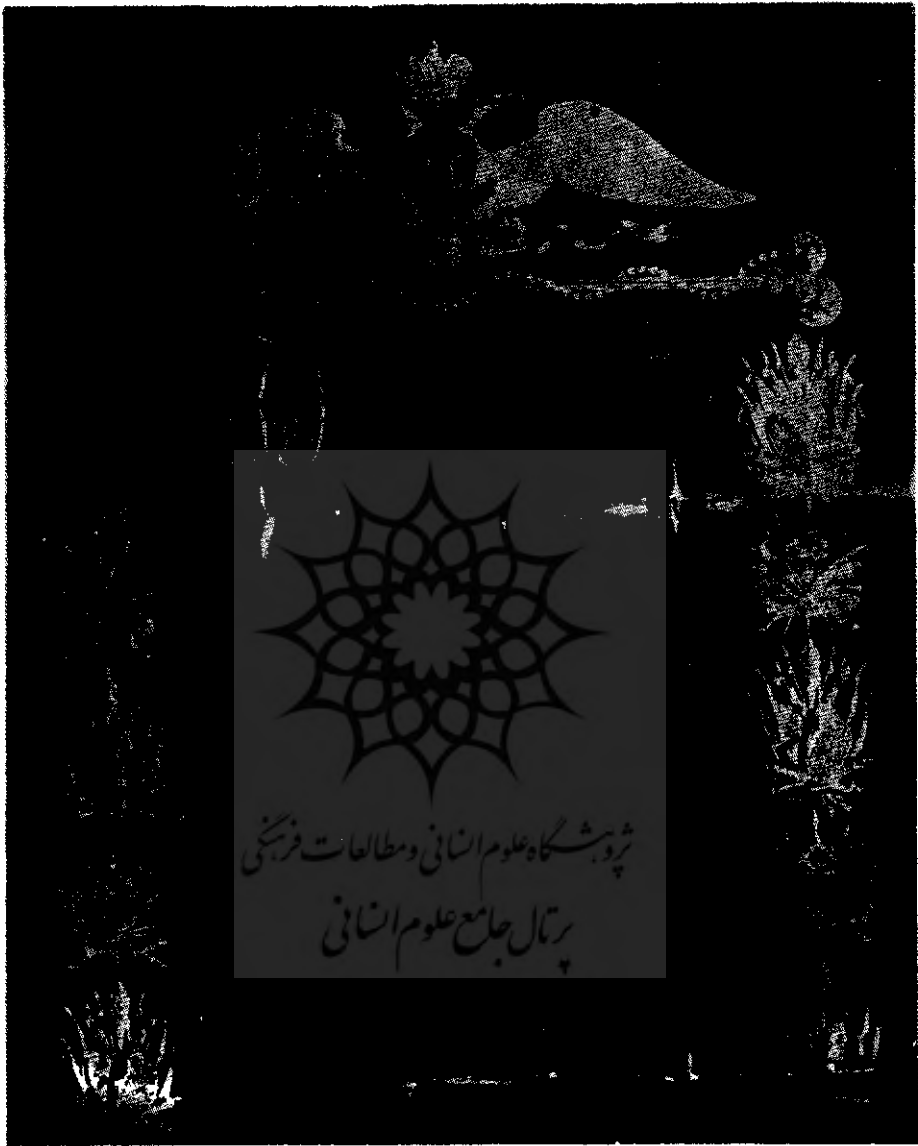


پوتشکین، ترویتسکا



ضمیمہ ۶۔ ثبت ترجمہ نامہ امپراطور روسیہ





ضمیمه ۶- متن اصلی نامه امپراطور روسیه بزبان روسی

يك نظام، مربوط دارید که سلسله انتظام امور دولتی شما از هم گسیخته نگردد. نصایح مشفقانه ما به استقلال و استقرار سلطنت شما خواهد افزود. در صورتیکه وضع قانون نظامیه شما در تحت يك اصول مدنیت منتظم گردد برای نظم امورات مملکتی و دولتی هرگونه احتیاجی داشته باشید از طرف ما به هیچوجه از معاونت و مدد مضایقه نخواهد شد. به عون الله تعالی همیشه در تحت حمایت و حفظ و حراست خداوند سبحان جل شأنه بوده باشید. از جانب خیر خواهانه ما ترقیم یافت. در دوازدهم اکتوبر در سنه ۱۸۲۹ در سال چهارم سلطنت مادر پترزبورغ مطابق سنه [۵] ۱۲۴ هجری<sup>۱</sup> در زیر نوشته شده است: ترجمه بنده درگاه میرزا هارطون

### ضمیمه ۷

#### نامه میرزا محمدخان امیر نظام زنگنه به قائم مقام<sup>۲</sup>

«قبله گاهها . پیشتر، مراتب تاخیر و تعویق عزیمت روانه شدن عالیجنابان محمد حسین خان و میرزا بابای حکیم باشی را عرض کرده ام . حاجت شرح و بسط مجدد نیست. این روزها مذکور شد که در عوض عالیجنابان مشارالیهها مقرب الخاقان میرزا ابوالحسن خان وزیر دول خارجه حسب الامر شهریاری مأمور سفارت روس و انگلیس است و اول از راه اسلامبول به لندن می رود و بعد از اتمام لوازم سفارت آنجا از راه دریا به پترزبورغ خواهد آمد. اول چون

۱- در اصل سند ۱۲۴۶ نوشته شده و آن اشتباه کاتب و یا مترجم است زیرا

$\frac{۱۲}{۲۴}$  اکتبر ۱۸۲۹ با ۲۵ ربیع الثانی ۱۲۴۵ برابر بوده است .

۲- اقبال : مجله یادگار شماره ۵ سال یکم ص ۳۴-۳۵، نقل از اسناد کتبخانه سلطنتی ایران .

تحریری نبود، باور نکرد. بعد که عالیجاه میرزا الکسندر از دارالخلافه مراجعت کرده وارد شد، جناب آصف الدوله صراحتاً حکم سرکار اقدس همایون شاهنشاهی را مرقوم داشته که صورت تحف و هدایائی که حضرت مرحوم مغفور علیین آرامگاه رضوان جایگاه شاهنشاه رسانند. تغییر و تبدیلی لازم باشد بفرمایند که با میرزا ابوالحسن خان ارسال شود و وجه خرجی که برای عالیجاهان مشارالیهها سرانجام شده دریک جا نگاه دارد تا حکم برسد. مخلص از این حکم متعجب مانده. هر چند تا بحال جوابی خدمت معزی الیه عرض نکرده، اما معلوم است که بی حکم شاهزاده اعظم روحی فداه و صوابدید سرکار عالی به مخلص، صورت یا وجهی به کسی نخواهد داد. زیاده چه نویسد.

### ضمیمه ۸

نامه میرزا محمد حسین خان زنگنه به قائم مقام

هوالله تعالی شانہ<sup>۱</sup>

خداوندگارا امیدگارا تفصیل احوالات خود را به کرات هم به سرکار عالی، هم به جناب آصف الدوله و وزیر امور خارجه معروض داشته و البته تا به حال همه نوشتجات به نظر رسیده خواهد بود. باز هم مجدداً معروض می‌دارد که ابتدا بعد از ورود تبریز جناب وزیر مختار بعد از ملاقات کمال محبت و مهربانی را به عمل آورد و میرزا اسمعیل ترجمان رامهماندار قرار داد و سیاهه همه همراهان و مال و دواب را خواست. اظهار کرد که ورود تورا نوشته‌ام. این روزها جواب می‌رسد و هرچه زودتر روانه شوی بهتر خواهد بود چرا که زمستان نزدیک است و در راه زحمت زیاد خواهی کشید. چون هنوز هیچ سفر مهیا نشده بود، نتوانستم بگویم حاضرم و فلان روز حرکت

۱- ر. ک. گراور ۲

می‌کنم تا اینکه بندگان امیر نظام از مراغه تشریف آوردند و مشغول تدارکات عالیجاه حکیم باشی و این فدوی شدند. چندی گذشت، فرامین مطاعه از جانب همایون شاهنشاهی صادر و تاکیدات زیاد در زود [روانه] شدن کمترین که فرموده بودند، نظر به آن، ایلچی مختار اعلام کردند. جواب داد که به وزرای دولت عرض کرده‌ام تا جواب نرسد ایلچی شما نمی‌تواند برود چرا که حتماً [یک کلمه ناخوانا] و احترامات از آن جانب لازم است. همین کیفیت را امیر نظام به جناب آصف الدوله و وزیر امور خارجه نوشت. جواب از وزیر دول خارجه رسید که در عهدنامه قرارداد نشده که سفرای طرفین معطل شوند تا از وزرای دولت خیر برسد. بلکه در فصل نهم عهدنامه و تشریفات ایلچی‌گری، قرار داده‌اند که سفرای طرفین که در عهدنامه مبارکه بالسویه‌اند همچنانکه سفیر شما می‌باید حساب کند که چند روز مهماندار از تبریز به سرحد می‌رسد، ایلچی این دولت هم می‌باید حساب کند که مهماندار از تفلیس چند روز به کنار ارس که سرحد است می‌رسد. دیگر زیاده توقف خلاف شرط و عهد است. باید برود و حال اینکه اگر از دولت هم خیر می‌رسید، حال دوماه و نیم است که فلانی در تبریز معطل است و قبل از ورود آنجا هم یک ماه پیشتر به میرزا الکسندر، سرکار ولیمهد روحی فداه فرمایش فرمودند ماموریت را و بندگان قائم مقام و من هردو اظهار کرده بودیم و به امیر نظام ملفوفه صادر شد و او هم البته اظهار کرده است. می‌بایست تا به حال خبر رسیده باشد. معطلی او زیاده از این، خلاف دوستی دولتین و شروط و عهد عهدنامه مبارکه است، چرا که جزو معظم شرایط دوستی، آمد شد سفر و تجارت طرفین است. اگر سفر ممنوع باشند چه تفاوتی با اوقات دشمنی دارد. جواب را جناب وزیر مختار خود به

وزیر دول خارجه نوشته بودند و کمترین جواب را ملاحظه نکرد اما از قراریکه عالیجاه میرزا صالح بیان می‌کرد، نوشته بود که اولاً قبل از آمدن فلانی از طهران کسی به من اظهاری در ماموریت او نکرده است و من بعد از ورود به تبریز از ماموریت او اطلاع بهم رسانیدم. ثانیاً اینکه چون حضرت امپراطوری برای ملاقات امپراطور نمسا تشریف‌فرمای پایتخت نمسا شده بودند، از این جهت جواب دیر رسیده. این اوقات که مراجعت فرموده‌اند جواب می‌رسد اما از تعجیل شما از زود روانه شدن ایلچی چنین معلوم می‌شود که به غیر رسانیدن هدایا مقصود دیگر هم باشد. این معنی را دانسته باشید که اگر مقصود دیگر باشد تا پیشتر به من اظهار نشود، در دولت نخواهد گذشت و کاغذ با چاپار خود به دارالخلافه فرستاد. دیگر از جانب وزیر دول خارجه معلوم شد که چه جواب آمد. اما فهمیدن این امورات در ایران خاصه آنچه اهم کار است و بهتری دانید که قرار وقانون ما بین دو دولت عهدنامه است. اگر در عهدنامه همچنین شرطی شده است که شاه یا ولیعهد روحی و جسمی فداه اگر سفیری به دولت مأمور فرمایند هرگونه مکتوباتیکه در [ يك كلمه ناخوانا ] دارند به توسط ایلچی خود به امپراطور و وزرای دولت اظهار نمایند، می‌باید که اول به وزیر مختار متوقف ایران اظهار کنند، درین باب بحث جناب وزیر مختار بجاست و هرگونه ایرادی بگیرند سزا است والا اگر چنین شرطی در عهدنامه نشده باشد، سرکار خداوندگار می‌دانند که جواب چه چیز است و اگر هم فرضاً به غیر رسانیدن هدایا، از فرستادن آدم مقصودی دیگر هم باشد سفیر را به دولت خود راه ندادن به خلاف عهدنامه و دوستی و قانون کل عالم درست است؟ یا موافق عهدنامه ایلچی را راه بدهند و در دولت اگر تکلیف شاقی داشته باشد قبول نمایند. باری بعد از آنکه خاک عالم پرسر ماها ریخته شد و آقا علی اکبر پیشخدمت آورنده خبر بود،

برای همه اهل این مملکت آخرالزمان شد. هوش و حواس برای هیچکس باقی نمانده بود و مشغول شیون و مصیبت بودند. مشارالیه خود از جانب شاه به وزیر مختار اظهار کرده بود که حسب الامر پادشاهی فلانی باید زود برود. وزیر مختار به توسط عالیجاه میرزا صالح جواب گفته بود که چون نوشته های سابق نسخ شده و از جانب نواب شاهزاده هم هنوز تأیید نشده، بهتر آن است که نامه اعلامی مشعر بر این مصیبت عظمی از جانب شاه روحی فداه به امپراطور به فلانی برسد بدون معطلی روانه است. همین مطلب را خدایگان امیر نظام و آقا علی اکبر به دارالخلافه نوشته بودند. وزیر دول خارجه بالفور جواب نوشته بود که شاه درین باب تأمل داشته و دارند تا کسی از جانب جناب وزیر نیاید و با او گفتگو نکنیم نخواهیم فرستاد. بعد از آمدن او اگر مصلحت باشد خواهیم فرستاد و الافلا . عالیجاه میرزا الکسندر هم به دارالخلافه رفته ، هنوز جوابی نرسیده . ولیکن بعد از این کیفیت وزیر مختار میرزا اسماعیل ترجمان را که از جانب خود مهماندار این فدوی قرار داده به وزیر مختار پیغام دادند که میرزا اسماعیل مهماندار فلانی بود و حسب الاظهار توبه امنای دولت عرض شده که نامه برسد و فلانی برود. شاید درین روزها نامه را فرستادند. مهماندار فلانی که خواهد بود . عالیجاه میرزا صالح بعد از گفتن جواب شافی بنا بود می گفت [ يك كلمه ناخوانا ] جواب می گوید، گاه می گوید درین زمستان مشکل است رفتن. گاه می گوید گرانی است. بهتر آن است که بهار برود. آن وقت راهم شما می دانید که وعده کرور خواهد رسید. نمی دانم چه منظورات دارند از این دفع الوقت. درین روزها ایلچی از دولت عثمانی رفت و احدی ممانعت نکرد . شما خود دواي همه دردها را بهتر از همه می دانید. محض نمك شناسی لازم دانستم آن خداوندگار را مستحضر سازم که هرچه به خاطر عالی می رسد

بکنید. با وجود پریشانی و دل شکستگی و بی‌آقائی نفهمیدم چه عرض کردم. این فدوی به جدت قسم که بعد از این طالب مرگ است نه طالب نوکری و سفارت و آبرو. بعد از آن همه زحمت و ممرارت که آن خداوندگار در راه دین و دولت کشیدید که ایران هم به پایه و استعداد دولتهای بزرگ برسد و الحق رسیده بود آخر آسمان يك دفعه خاک بر سر کل اهل ایران [يك كلمه ناخوانا] کل اسلام ریخت. و اسلاما، و اسلاما. دیگر بعد از این طالب زندگی و آبرو می‌توان بود؟ هر چه خدا خواسته است می‌شود. امره العالی مطاع.

### ضمیمه ۹

### نامه ملك الكتاب به قائم مقام<sup>۱</sup>

هو

میرزا الکسندر به امین وظل و خارجه گفته بود که توقع روس از شاه این است که اساس نایب السلطنه را برهم نزند. ولیعهد محمد میرزا باشد و کارگزار قائم مقام. اگر غیر از اینها باشد مانمی‌توانیم با آنها رفتار کنیم. مدتی است که با آنها رفتار و دوستی کرده‌ایم. اگر دیگر پیرا شاه، تعیین کند از ما توقع دوستی نداشته باشید. خلاصه باشما بسیار دوستند. الکسندر مطالب را خودش به شما نوشته است. در باب بخشش و مهلت کرور با او حرف زدگفت نه، می‌بخشیم و نه مهلت می‌دهیم. وعده کرور هم نزدیک است اگر صد هزار تومان پیش از موعد بدهید می‌توانیم از دولت خود مهلت برای شما بگیریم. اما بخشش در میان نیست و هرگاه شاه در باب تعیین ولیعهد موافق

۱- مجموعه اسناد دولتی شماره ۶۲۰۹ در آرشیو وزارت امور خارجه ایران

(ر. ک. به گراور ۴)

خواهش ما رفتار کند گمان کلی داریم که دولت مابه ولیمهد گذشت کنندنه به شاه . شاه به الکساندر در حضور، فرموده بود که کرور را محمد میرزا باید بدهد، به شاه رجوع ندارد. الکسندر به امین و خارجه پیغام داد ما از شاه طلبکاریم، به محمد میرزا کار نداریم . مفصل را البته الکسندر نوشته است. دیگر آنکه شاه فرمایش فرموده که خلعت برای همه امیرزادگان آذربایجان و خراسان و خوانین خراسان و شما و میرزا موسی خان و اقامیرزا محمد وزیر و امیر نظام و میرزا اسحق بدوزند . بعد از ماه رمضان بفرستند

### ضمیمه ۱

ترجمه مراسله وزیر امورات خارجه دولت علیه انگلیس که به وزیر امورات خارجه دولت قاهره ایران نوشته<sup>۱</sup>

« شرحی که پیش به جناب شما نوشتم، از آن مشخص می شود، توجه دولت انگلیس و دل بستگی آن به دولت ایران از جهت نامعلومی ولیمهد ایران و چون بر من واجب بود که به ایلچی روس که در لندن است صحبت بدارم و مصلحت نمایم، بسیار مسرور شدم در دیدن او که امپراطور اعظم روسیه و پادشاه ذیجاه انگلیس متحد و یکجهت بودند در ستودن و توصیف شاهنشاه که شاهزاده محمد میرزا را ولیمهد فرموده دانشمندی و آگاهی شاهنشاه از این تشخیص که قبل از ستودن و تحسین این امر بزرگ را به انجام رسانید. این خبر که تازه رسید که شاهزاده محمد میرزا به این منصب بزرگ تعیین شده باعث ابتهاج و مسرت بسیار این دربار گردید و امضای این منصب در دولتمهائی که متفق و متحداند به زودی و بدون شرط شده و کیل دولت روس که درین دربارست به من استحضار داد که امپراطور

۱- مجموعه ۶۲۰۹ آرشیو وزارت امور خارجه ایران



اعظم مهلت درباب کروری که از عهدنامه ترکمانچای طلب دارد داد. لیکن در هر حال انکار از ادای کرور نمی‌توان نمود و چون به‌زودی رد نمودن وادای این طلب بسیار واجب است، از جهت استحکام و پایداری دولت علیه ایران، حال وازین بعد، امنای این دولت اعتماد کلی به‌جناب شما دادند که موافقت و امداد به‌ایلچی انگلیس که در ایران است نموده که به‌اعلیحضرت شاهنشاه در ادای این وجه اقدام و عرض نماید که بسیار لازم است.»

### ضمیمه ۱

#### نامه سفارت روسیه به قائم مقام \*

«جناب جلالت و نبالت نصاب، مجدت و نجدت انتساب، اتابیک اعظما، دوست مشفق مکرم، عالی‌مقام. مدت مدیدی است که در ایام توقف اردوی همایون در دارالسلطنه تبریز در خصوص مهلت دو ساله به‌جهت ادای کرور آخر که نظر به‌مغشوشی اوضاع و بی‌پولی خزانه نواب مستطاب و لیمهد اعلیحضرت قدر قدرت امپراطور خجسته طور معاف فرموده بودند، کاغذ نرسیده به‌آن مشفق معظم نوشتم. حال که تا امروز جواب آن کاغذ نرسیده و دوستدار روانه سمت آذربایجان می‌شود، لازم بود که به‌تحریر این چند کلمه پرداخته اعلام نمایم که روز انقضای مهلت امپراطورانه مزبور در غره‌شهر محرم سنه ۱۲۵۲ می‌باشد. امید اولا کیفیت مراتب را به‌خاکپای همایون معروض نمایند. ثانیاً آنکه فی‌ما بعد دوستدار را متمم نفرمایند که چرا پیش از وقت امنای دولت قاهره را اخبار ننمودم

\* - از مجموعه ۶۲۰۹ آرشیو وزارت امور خارجه ایران - در پشت این نامه اثر مهر وزیر مختار روسیه بدین سجع دیده میشود: «وزیر مختار دولت بهیه روسیه غراف ایوان سیمونیچ».

آری هنوز پانزده ماه ونیم وچند روز بالا به انقضای مهلت مانده است. باقی ایام مؤالفت و مواحدت برقرار و پایدار باشد. تحریرا

فی ۷ شهر محرم الحرام سنه ۱۲۵۱

امیرکامبختانله مدرسه لیهیه لیهیه

### ضمیمه ۱۲

#### ترجمه کاغذ ردوفیکین به وزیر مختار روسیه \*

آقای غراف وزرای دولت آگاهی یافتند از مضمون کاغذی که جناب میرزا مسعود به شما نوشته بودند و همچنین از جوابی که شما به او نوشته بودید، در باب ادای بقیه مبلغی که هنوز دولت روسیه موافق عهدنامه ترکمان چای حسابی طلب دارند. دفترخانه امپراطوری قبول می کند همه رفتارهای شمارا در باب این کار، خصوص در باب قرارداد اینکه قرض دولت ایران در مدت هجده ماه بالتمام پایدار شود. ما تمجب داریم از اینکه در شبیه بوده اند از وسعت اختیاری که به شما عطا شده وقراری که شما بدهید در اینجا مقبول خواهد شد یانه. اما در کمال خوشوقتی مشاهده کردیم که وزرای اعلیحضرت شاهنشاهی در این ماده به شبیه نیفتاده بودند. وزیر امپراطور روسیه در طهران ، همیشه به قدر کفایت اختیار دارد که در استحکام عقود محبت و اعتقاد همسایگی ما بین اعلیحضرت شاهنشاه و اعلیحضرت امپراطور تحقق به کار برد. آقای غراف شما خوب می دانید و به وزرای محمد شاه خوب اظهار کرده اید اینکه دولت روسیه می خواهد این وجه ادا شود نه از راه جلب منفعت مالی است، بلکه از برای این است که دلیل صحت و مبارکی عهدنامه است که واسطه اعتماد و اعتقاد حقیقی است ما بین دو دولت .

\* - مجموعه شماره ۶۲۰۷ ، آرشیو وزارت امور خارجه ایران .

## ضمیمه ۳۱

## نوشته وزیر مختار روسیه به حاجی میرزا آقاسی \*

«مقرب الخاقان محمودخان واسفندیار بیگ به منزل دوستدار آمده حسب الامر سرکار اظهار داشتند که آدمی از ایلچی گری روانه کرمانشاهان شود، از جانب معتمد از بابت وجه باقی کرور، مبلغ بیست هزار تومان بازیافت نماید. همچنین اظهار داشتند که معتمد متعهد شده مبلغ مزبور را به انضمام مبلغی که در کالیوش قرار داده شده، بدهد. قبول این مطلب را نموده امیدوارم که آن سرکار عالی در خصوص ادای این چند وجه کرور آسوده خاطر خواهد بود.

فی ۱۵ صفر ۱۲۵۴ «

پادشاه روسیه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

\* - از مجموعه ۶۲۰۷ آرشیو وزارت امور خارجه .

## مدارك و منابع تدوين اين مقاله كه نامشان

در زير نويسها آمده است :

تاريخ احوالات عباس ميرزا نايب السلطنه: ميرزا مسعود  
وزير دول خارجه، تصحيح و چاپ توسط محمد گلبن، ضميمه سفر-  
نامه خسرو ميرزا. تهران سال ۱۳۴۹ خورشیدی

تاريخ نو: جهانگير ميرزا، به تصحيح و تحشيه عباس اقبال  
چاپ تهران شهريور ۱۳۲۷

تاريخ روابط سياسی ايران وانگليس در قرن نوزدهم: محمود  
محمود، جلد يکم چاپ تهران آبان سال ۱۳۳۸

تحولات سياسی نظام ايران: جهانگير قائم مقامی تهران  
۱۳۲۶ خورشیدی

روضه الصفاي ناصری: رضا قلی خان هدايت چاپ تهران  
سال ۱۲۷۴ قمری هجری

سفرنامه خسرو ميرزا: گرمرودی، به تصحيح محمد گلبن چاپ  
تهران سال ۱۳۴۹

غرامات معاهده ترکمانچای: عباس اقبال، مجله يادگار سال  
يکم شماره ۲

مجموعه اسناد رسمی و دولتی (خطی) آرشیو وزارت امور خارجه

ایران شماره ۶۰۲۵

» » » » شماره ۶۲۰۴

» » » » شماره ۶۲۰۷

» » » » شماره ۶۲۰۹

« « « « شماره ۶۲۲۰

» » » » شماره ۶۲۷۳

» » » » شماره ۶۳۰۴

مجموعه اسناد الکساندر خودزکف : کتابخانه ملی پاریس ،

Suppl . Pers . 995

مجموعه خطی نامه های قائم مقام : کتابخانه مجلس شورای ملی ،

شماره ۷۸۲

مجموعه خطی قراردادها و عهدنامه های ایران : کتابخانه

مجلس سنا .

مجموعه معاهدات دولت علیه ایران با دولت های خارجی : موتمن

الملک ، تهران سال ۱۳۲۶ قمری

مرقع خطی ، کتابخانه مسجد سپهسالار تهران ، شماره ۲۲۱۴

مرقع خطی فیروز : کتابخانه مجلس شورای ملی ، شماره ۳۵۴

مرقع خطی : کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران

شماره ۴۸۴۵

منتظم ناصری : محمد حسنخان صنیع الدوله ، جلد سوم ، تهران

۱۲۹۹ قمری

منشآت قائم مقام : میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی، به تصحیح  
و تحشیه جهانگیر قائم مقامی تهران ۱۳۳۷ خورشیدی

میرزا تقی خان امیرکبیر : عباس اقبال ، به کوشش ایرج افشار  
تهران سال ۱۳۴۰ خورشیدی

ناسخ التواریخ : میرزا محمدتقی سپهر لسان الملك، به کوشش  
جهانگیر قائم مقامی، سال ۱۳۳۷ خورشیدی .

نکاتی درباره قتل گریبایدوف : دکتر جهانگیر قائم مقامی،  
مجله بررسی های تاریخی، سال چهارم شماره ۶۵

وصیت نامه منسوب به عباس میرزا : دکتر جهانگیر قائم مقامی ،  
مجله بررسی های تاریخی ، سال ششم شماره ۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی